



## فرمانده قطعه خاص پولیس بغلان در درگیری با طالبان کشته شد

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت بغلان تأیید می‌کنند که شریف‌الله خوستی، فرمانده قطعه خاص پولیس این ولایت در درگیری با جنگ‌جویان گروه طالبان کشته شده است...

صفحه ۲

## چگونه زبان و کلمات، خلق فاجعه را در نظام‌های فاشیسم و بنیادگرا ساده‌سازی می‌کند؟

صفحه ۴

## مقام‌های امریکایی هم در نشست برجام در وین «بدون دیدار مستقیم با ایران» مشارکت خواهند داشت



صفحه ۶

یادداشت روز

## عناد طالبان با رسانه‌ها

رسانه‌ها و خبرنگاران افغانستان در تمام سال‌های گذشته یکی از قربانیان اصلی جنگ در افغانستان بوده‌اند. اما به‌صورت بی‌پیشینه در ماه‌های گذشته خبرنگاران و جامعه‌ی رسانه‌ای افغانستان یکی از اهداف ترورهای هدفمند در افغانستان بوده‌اند. دیدبان حقوق بشر در گزارشی تازه اعلام کرده است که گروه طالبان خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها از جمله زنان را عمداً هدف قرار می‌دهد. براساس یافته‌های این نهاد، فرماندهان و جنگ‌جویان گروه طالبان علیه جامعه‌ی رسانه‌ای در مناطق تحت کنترل‌شان و همچنان در کابل انواع مختلف تهدید، ارباب و خشونت را به کار برده‌اند. برپایه‌ی گزارشی دیدبان حقوق بشر بعد از آغاز مذاکرات بین‌افغانی در دوحه حمله طالبان بر خبرنگاران و جامعه‌ی رسانه‌ای افغانستان سیر صعودی داشته است. در پی این رویکرد طالبان در سال گذشته شماری از خبرنگاران جان‌شان را از دست داده و ده‌ها خبرنگار و فعال رسانه‌ای مجبور به ترک افغانستان شده‌اند. عناد طالبان با جامعه‌ی رسانه‌ای افغانستان از طرفی امر تاکتیکی است و از طرف دیگر، این ضدیت آبشخور ایدئولوژیکی هم دارد...

۲

## تظاهرات هواداران حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار در کابل؛ «ارگ‌نشینان استعفا کنند»



۲

## اصابت مرمی راکت بر خانه‌های مسکونی در لغمان؛ دست کم ۱۵ غیرنظامی زخمی شدند

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت لغمان می‌گویند که در پی اصابت سه فیر مرمی راکت طالبان بر خانه‌های مسکونی در ولسوالی علیشنگ...

۲

## وزش تندباد در ننگرهار دو کشته و پنج زخمی بر جای گذاشت



۲

## وزیر فرانسوی «تست بکارت» در برنامه تلویزیونی را محکوم کرد



۶

## اشتباه ما در حیطه‌ی گفت‌وگو درباره‌ی سلامت روان چیست؟

خانه و با زندگی فاصله‌ی زیادی دارد و بعد چیزی گفت که قلبم غرق اندوه شد؛ نگاهش را از من دزدید و گفت: «زندگی دیگر برایم معنایی ندارد.» در آن لحظه از نظر خودم چیزی برایم روشن شد: او از نظر بالینی افسرده بود. طی روزها و هفته‌های بعد، من به دوستم آنچه را که در مورد این اختلال و فواید درمان و داروهای...

ترجمه ۵



## امریکا، ویتنام و افغانستان؛ از نامه‌ی نیکسون تا نامه‌ی بلیکن

خروج امریکا از افغانستان طالبان را قدرت‌مند خواهد کرد و عواقب غم‌انگیز و اجتناب‌ناپذیر خواهد داشت. نامه‌ی آنتونی بلیکن به اشرف غنی که در آن از خروج کامل ارتش امریکا تا اول ماه می در صورت عدم همکاری...

## اتهام اخاذی در ترازوهای تناژ بلند دروازه‌های هرات؛ «تا ده‌هزار افغانی از هر موتر گرفته می‌شود»

برخی از مسئولان شرکت‌های ترانسپورتی و رانندگان مدعی‌اند که برخلاف قانون در ترازوهای تناژ بلند دروازه‌های هرات از آنان اخاذی می‌شود. آنان به روزنامه اطلاعات روز گفته‌اند که از هر موتر با اضافه‌بار تا ۱۰ هزار افغانی پول گرفته می‌شود و این پول به‌جای واریز شدن به حساب دولت به جیب زورمندان می‌رود. عبدالرحیم صالحی، عضو شورای ولایتی هرات می‌گوید که برخلاف حکم رییس‌جمهور محمد اشرف غنی، در ترازوهای هرات پول گرفته می‌شود. بر بنیاد آمار ریاست فواید عامه هرات نشان می‌دهد که حد اوسط روزانه ۲۰۰ الی ۲۵۰ موتر باربری از مسیرهای شاهراه‌های هرات - اسلام‌قلعه و دروازه میرداوود می‌گذرد...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای  
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

از نظر تاکتیکی طالبان امیدوارند که همزمان با مذاکرات صلح با خاموش کردن منتقدان از طریق تهدید و خشونت، بر جنایت‌های گذشته و آموزش‌شان سرپوش گذارند. درک طالبان از این واقعیت عمیق است که این گروه با حضور رسانه‌های آزاد و جامعه رسانه‌ای منتقد هرگز نمی‌تواند در میان مردم و افکار عمومی جایگاه مناسب پیدا کند. در وضعیتی که رسانه‌های آزاد تمام فعالیت‌های طالبان را زیر ذره‌بین دارند، تلاش طالبان برای ارائه‌ی یک چهره قابل قبول از خود به افکار عمومی امر بیهوده و حکم «آب در هاون کوبیدن» را دارد. با درک این واقعیت طالبان رویکرد ارباب، خشونت و القای ترس در جامعه‌ی رسانه‌ای افغانستان را در پیش گرفته تا فضا و فرصت بیشتر جنایت و خودسری داشته باشند. طالبان آرزو دارند در نبود جامعه‌ی رسانه‌ای منتقد مثل گذشته در هر گوشه‌ی کشور دست به جنایت بزنند و جنایات‌شان هیچ بازتابی پیدا نکنند و راه تبلیغات ضد طالبانی را سد کنند.

ضدیت طالبان با رسانه‌ها و آزادی تنها یک امر تاکتیکی صرف نیست. در ایدئولوژی طالبان آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها امر مردود است. این گروه به آزادی بیان باور ندارد. در زمان طالبان فقط رادیو صدای شریعت فعال بود. این رادیو صرفاً ابزاری برای پروپاگندای ایدئولوژیک طالبان بود. طالبان نه‌تنها به هیچ رسانه‌ی آزاد فرصت فعالیت نمی‌دادند که با تمام ابزار آگاهی‌بخش و ابزار ارتباطی مخالف بودند. داشتن تلویزیون، ماهواره و حتا کست در زمان امارت اسلامی طالبان جرم بود. در نتیجه‌ی اعمال سیاست «استبدادی رسانه‌ای» طالبان در تمام افغانستان دست به جنایت‌های بی‌شماری زدند که این جنایات هیچ بازتابی پیدا نکردند. تنها به لطف چند رسانه‌ی محدود خارجی بخشی از هزاران جنایت طالبان ثبت تاریخ شد و بازتاب یافت که اکنون روایت‌گر گذشته‌ی سیاه و غیرقابل‌دفاع طالبان است.

واقعیت این است که در حال حاضر رسانه‌های زیادی در افغانستان به‌ویژه رسانه‌های آزاد فعالیت و رویکرد طالبان را زیر نظر دارند. رسانه‌ها به شهروندان آگاهی می‌بخشند. اکنون شهروندان افغانستان به رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های آزاد اعتماد کرده‌اند. شهروندان حامی بزرگ رسانه‌ها و آزادی بیان در افغانستان هستند. بنابراین سیاست کشتار و عناد با جامعه‌ی رسانه‌ای افغانستان برای طالبان هزینه‌بر است. این کار طالبان را در برابر مردم قرار می‌دهد. کشتن خبرنگاران تنها طومار و کارنامه‌ی سیاه طالبان را طولانی‌تر می‌کند. هرباری که طالبان رسانه‌ها و خبرنگاران را هدف قرار داده‌اند، با حمایت و همدردی گسترده‌ی شهروندان اراده‌ی جامعه‌ی رسانه‌ای افغانستان برای گردش آزاد اطلاعات بیشتر شده است. بنابراین، ممکن است جامعه‌ی رسانه‌ای افغانستان روزهای سختی سپری کند، اما هرگز میدان را خالی نمی‌کند. طالبان بازنده‌ی جنگ علیه رسانه‌ها خواهند بود.



اطلاعات روز: شماری از هواداران حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار دیروز جمعه یک بار دیگر در شهر کابل تظاهرات کرده‌اند. هواداران حزب اسلامی مدعی‌اند که حکومت توافق‌نامه‌ی صلح با حزب اسلامی را عملی نکرده و رهانشدن زندانیان این حزب نیز از زندان‌های دولت رها نشده‌اند.

معترضان در قطع‌نامه‌ی پایانی‌شان خواستار استعفا‌ی «ارگ‌نشینان» شده و گفته‌اند تا زمانی‌که به خواست‌شان نرسیده‌اند، به تظاهرات ادامه می‌دهند. تغییر نظام و ایجاد نظام همه‌شمول اسلامی یکی دیگر از خواست‌های معترضان در این قطع‌نامه گفته شده است.

معترضان همچنان در این قطع‌نامه گفته‌اند: «صلح نیاز مبرم مردم رنج‌دیده‌ی ماست؛ درحالی که حلقه‌ی

فاسد ارگ‌نشین یگانه مانع صلح پایدار در کشور است.» طبق ماده‌ی سوم این قطع‌نامه، «حلقات وابسته به نظام» عامل اصلی ناامنی‌ها و ترورهای هدم‌فندانه هستند.

در ماده‌ی چهارم این قطع‌نامه گسترش فقر در کشور به «حلقه‌ی ارگ‌نشین» نسبت داده شده و آمده است که آنان سرمایه‌های ملی را سرقت و آن را به خارج از کشور انتقال می‌دهند.

دو روز پیش (پنج‌شنبه، ۱۲ حمل) گلبدین حکمتیار در یک نشست خبری در کابل گفته بود که حکومت افغانستان تا هنوز به خواست‌های‌شان پاسخ نداده است. آقای حکمتیار گفته بود دست به تظاهرات می‌زنند. او همچنان گفته بود که در تظاهرات دیروز سلاح نیز حمل خواهند کرد. او تأکید کرده بود که حمل سلاح به معنای ترساندن و قدرت‌نمایی

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت‌های هلمند و هرات می‌گویند که در نتیجه‌ی انفجار ماین‌های کنارجاده‌ای در این ولایات، پنج غیرنظامی کشته و هفت غیرنظامی دیگر زخمی شده‌اند.

عمر زواک، سخن‌گوی والی هلمند به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد حوالی ساعت ۱۰:۰۰ پیش از ظهر دیروز (جمعه، ۱۳ حمل) در ساحه‌ی «چهارگل» در مسیر شاهراه نمبر ۶۰۱ (قندهار – هلمند) رخ داده است.

آقای زواک توضیح داد که یک عراده موتور حامل غیرنظامیان با ماین کنارجاده‌ای برخورد کرده است. به‌گفته‌ی او، معلومات ابتدایی نشان می‌دهد که این موتور پنج سرنشین داشته و تمامی آنان در این انفجار کشته شده‌اند.

جیلانی فرهاد، سخن‌گوی والی هرات نیز به روزنامه اطلاعات روز گفت که حوالی

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت بغلان تأیید می‌کنند که شریف‌الله خوستی، فرمانده قطعه خاص پولیس این ولایت در درگیری با جنگ‌جویان گروه طالبان کشته شده است.

جاوید بشارت، سخن‌گوی فرماندهی پولیس ولایت بغلان به روزنامه اطلاعات روز گفت که این درگیری حوالی ساعت ۱۰:۰۰ دو شب پیش (پنج‌شنبه، ۱۲ حمل) در مسیر شاهراه بغلان – قندوز صورت گرفته است.

آقای بشارت همچنان گفت که در جریان این درگیری دو سرباز دیگر پولیس زخمی شده‌اند. به‌گفته‌ی او، در جریان این درگیری به جنگ‌جویان گروه طالبان نیز تلفات سنگین وارد شده، اما تا کنون آمار آن مشخص نشده است.

در همین حال، سمیع‌الدین ناظر، عضو شورای ولایتی بغلان می‌گوید که این درگیری دو شب پیش در منطقه‌ی «خلازی» در مسیر شاهراه بغلان – قندوز رخ داده است.

## تظاهرات هواداران حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار در کابل؛ «ارگ‌نشینان استعفا کنند»

نیست.

امضا رسید. براساس این توافق‌نامه، دولت متعهد شده بود که تمامی زندانیان عضو این حزب را به جز افرادی که مرتکب جرایم جنایی شده باشند و ادعاهای فردی علیه آنها وجود داشته باشد، آزاد کند.

در تاریخ ۲۶ دلو کمیسیون مشترک اجرائیوی موافقت‌نامه بین دولت و حزب اسلامی اعلام کرده بود که براساس فهرست ۱۲۰۰ نفری که از سوی حزب اسلامی در اختیار این کمیسیون قرار گرفته، تا کنون ۱۱۶۴ تن از زندانیان از زندان‌های مختلف کشور رها شده‌اند.

در اعلامیه‌ی این کمیسیون مشترک همچنان آمده بود که ۷۴ زندانی دیگر حزب اسلامی به اعدام محکوم و یا به داشتن ارتباط با داعش، مواد مخدر و قضایای اختطاف متهم‌اند و حکومت مکلف به رهایی آنان نیست.

### انفجار ماین‌های کنارجاده‌ای در هلمند و هرات پنج کشته و هفت زخمی بر جای گذاشت

ساعت ۸:۰۰ صبح دیروز یک عراده موتور نوع فلانکوج در مربوطات ولسوالی کشک کهنه‌ی ولایت هرات با ماین کنارجاده‌ای برخورد کرده است.

آقای فرهاد همچنان گفت که در این رویداد هفت زن زخمی شده‌اند. سه نفر از زخمیان این رویداد برای درمان به شفاخانه حوزوی هرات منتقل شده‌اند. هنوز هیچ گروهی مسئولیت این دو رویداد را بر عهده نگرفته است، اما دولت افغانستان گروه طالبان را عامل انفجار ماین‌های مقناطیسی، ماین‌های کنارجاده‌ای و حملات موتوربمب می‌داند.

گروه طالبان تا کنون در این باره اظهار نظری نکرده است. ولایت ناامن هلمند در جنوب کشور موقعیت دارد. جنگ‌جویان گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولایت حضور دارند. همچنان ولایت هلمند به‌عنوان خاستگاه گروه طالبان دانسته می‌شود.

### فرمانده قطعه خاص پولیس بغلان در درگیری با طالبان کشته شد

مستقیم هدف قرار دهند. گروه طالبان ادعا کرده است که در حمله‌ی این گروه، شریف‌الله خوستی کشته و ده سرباز دیگر پولیس زخمی شده‌اند.

ولایت بغلان یکی از ناامن‌ترین ولایت‌ها در حوزه‌ی شمال‌شرق کشور است. جنگ‌جویان گروه طالبان در شماری از ولسوالی‌ها و همچنان در بخش‌هایی از شهر پلخمری، مرکز این ولایت حضور و فعالیت تروریستی دارند.

آقای ناظر به روزنامه اطلاعات روز همچنان گفت که در جریان این درگیری دست‌کم نه سرباز دیگر پولیس زخمی شده‌اند.

او گفت که هنوز هم درگیری در ساحه جریان دارد و ممکن است شمار زخمیان نیروهای امنیتی بیشتر از این باشد.

این عضو شورای ولایتی بغلان افزود که طالبان از خانه‌های مردم به‌عنوان سنگر استفاده می‌کنند و به این دلیل نیروهای امنیتی نمی‌توانند خانه‌های مسکونی را

### منیره یوسف‌زاده، معاون وزارت دفاع در امور آموزش و پرسونل از مقامش کنار رفت

در همین حال، فواد امان، معاون سخن‌گوی وزارت دفاع ملی نیز در صحبت با روزنامه اطلاعات روز تأیید می‌کند که منیره یوسف‌زاده از مقامش کنار رفته است.

منیره یوسف‌زاده دو سال پیش کارش را به‌عنوان معاون وزارت دفاع ملی در امور آموزش و پرسونل آغاز کرده بود.

اطلاعات روز: منیره یوسف‌زاده، معاون وزارت دفاع ملی در امور آموزش و پرسونل از سمتش استعفا کرده است. خانم یوسف‌زاده این خبر را دیروز (جمعه، ۱۳ حمل) در صفحه‌ی رسمی فیس‌بوک خود همگانی کرده است.

خانم یوسف‌زاده علت استعفا‌ی خود را «موضوع شخصی» اعلام کرده و گفته که امیدوار است حضور زنان در سطح رهبری وزارت دفاع ملی متوقف نشود.

### اصابت مرمی راکت بر خانه‌های مسکونی در لغمان؛ دست‌کم ۱۵ غیرنظامی زخمی شدند

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت لغمان می‌گویند که در پی اصابت سه فیر مرمی راکت طالبان بر خانه‌های مسکونی در ولسوالی علیشنگ این ولایت، دست‌کم ۱۵ غیرنظامی زخمی شده‌اند.

شفیع‌الله افغان‌یار، سخن‌گوی فرماندهی پولیس ولایت لغمان به روزنامه اطلاعات روز گفت که این مرمی‌های راکت حوالی ساعت ۱۱:۰۰ پیش از ظهر دیروز (جمعه، ۱۳ حمل) بر خانه‌های مسکونی در ساحه‌ی «کوتالی» ولسوالی علیشنگ اصابت کرده است.

آقای افغان‌یار همچنان گفت که یک کاروان نیروهای ارتش از مرکز لغمان به‌سوی ولسوالی دولت‌شاه در حرکت بود. به‌گفته‌ی او، طالبان می‌خواستند این کاروان نیروهای ارتش را هدف قرار دهند که مرمی‌های راکت این گروه بر خانه‌های مسکونی اصابت کرده است.

سخن‌گوی فرماندهی پولیس لغمان افزود که در میان زخمیان این رویداد زنان و کودکان نیز شاملند. این زخمیان برای درمان به شفاخانه‌های مرکز لغمان، مرکز ولسوالی علیشنگ و شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار منتقل شده‌اند.

گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است. ولایت لغمان در شرق افغانستان موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت جنگ‌جویان گروه طالبان فعالیت تروریستی دارند.

### وزش تَن‌دباد در ننگرهار دو کشته و پنج زخمی بر جای گذاشت

اطلاعات روز: منابع محلی در ولایت ننگرهار می‌گویند که در پی وزش تَن‌دباد در این ولایت دست‌کم دو نفر جان باخته و پنج نفر دیگر زخمی شده‌اند. این افراد در دو رویداد جداگانه در مربوطات شهر جلال‌آباد، مرکز ننگرهار کشته و زخمی شده‌اند.

عطالله خویانی، سخن‌گوی والی ننگرهار به روزنامه اطلاعات روز گفت که دو شب پیش (پنج‌شنبه، ۱۲ حمل) در نتیجه‌ی وزش باد تَن‌د در منطقه‌ی «بازار ولایت» ناحیه‌ی هشتم شهر جلال‌آباد یک دیوار فروریخته است که در نتیجه دو کودک جان باخته‌اند.

آقای خویانی همچنان گفت که در یک مورد دیگر، دیوار یک خانه‌ی مسکونی در نتیجه‌ی تَن‌دباد شدید در منطقه‌ی «فامیل» ناحیه‌ی ششم شهر جلال‌آباد فروریخته است. به‌گفته‌ی او، در این رویداد دو زن و سه کودک زخمی شده‌اند.

از چند روز گذشته به این طرف وزش تَن‌دباد در شماری از ولایت‌های کشور به مردم تلفات و خسارات مالی وارد کرده است.

در ۲۹ ماه حوت سال گذشته نیز در پی وزش تَن‌دباد در شهر و حومه‌های شهر هرات، چهار نفر جان باخته و ده نفر دیگر زخمی شده بودند.

## ■ واجد روحانی - هرات

برخی از مسئولان شرکت‌های ترانسپورتی و رانندگان مدعی‌اند که برخلاف قانون در ترازوهای تناژ بلند دروازه‌های هرات از آنان اخاذی می‌شود. آنان به روزنامه اطلاعات روز گفته‌اند که از هر موتر با اضافه‌بار تا ۱۰ هزار افغانی پول گرفته می‌شود و این پول به جای واریز شدن به حساب دولت به جیب زورمندان می‌رود. عبدالرحیم صالحی، عضو شورای ولایتی هرات می‌گوید که برخلاف حکم رییس‌جمهور محمد اشرف غنی، در ترازوهای هرات پول گرفته می‌شود. بر بنیاد آمار ریاست فواید عامه هرات نشان می‌دهد که حد اوسط روزانه ۲۰۰ الی ۲۵۰ موتر باربری از مسیرهای شاهراه‌های هرات - اسلام‌قلعه و دروازه میرداوود می‌گذرد. مسئولان در فواید عامه هرات می‌گویند که در ده کیلومتری گمرک اسلام‌قلعه، میرداوود و شیدایی ترازوهای تشخیص تناژ بلند فعال هستند و فعالیت این ترازوها در سال ۹۶ به حالت تعلیق آمده بود و پس از یک سال دوباره فعالیت‌شان از سر گرفته شد.

## ■ اتهام سنگین اخاذی

عبدالواسع کوهدامنی، مسئول شرکت ترانسپورتی و بارچالانی «نوی کوهدامن افغان» در هرات است. حدود ۱۰۰ موتر باربری به‌شمول ۱۳ موتر از خودش زیر مجموعه شرکت‌اش برای انتقال اموال ترانزیتی از هرات به کابل کار می‌کند. او ادعا می‌کند که در ترازوی میرداوود هرات، پنج الی ۱۰ هزار افغانی بابت اضافه تناژ می‌گیرند و این پول به حساب دولت واریز نمی‌شود و به جیب افراد می‌رود: «رانندگان ما قصه می‌کنند که پنج ماه می‌شود که دوباره در ترازو میرداوود پول می‌گیرند و طبق قانون نباید از رانندگان پول بگیرند.» او می‌گوید که پول از رانندگان را فرد مسئول بررسی وزن موترها در ترازوی تناژ بلند دروازه میرداوود می‌گیرد و هیچ برگه‌ای نیز به رانندگان نمی‌دهد: «وقتی پول غیرقانونی بگیرند، هیچ برگه به راننده نمی‌دهند و این پول به حساب افراد می‌رود تا دولت.»

نصیر احمد محمدی، مالک ۲۲ موتر باربری است و در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز مدعی است که حتا از موترهای حامل سیخ‌گل، آهن‌آلات و نفت و گاز به دلیل اضافه‌وزن ۸ الی ۱۰ هزار افغانی پول گرفته می‌شود، اما این پول بر رویت کدام اسنادی نیست: «من فکر می‌کنم که در یک شبانه روز بالای ۵۰۰ هزار افغانی از ترازوی میرداوود عاید به دست می‌آید. کاشکی همین پول به حساب دولت می‌رفت و به جیب افراد و اشخاص نمی‌رفت.»

او از حکومت می‌خواهد که اگر پول گرفتن بابت اضافه‌وزن در ترازوها قانونی است، باید کدام سندی به آنان بدهند، تا مطلع شوند که پول جریمه‌شان به حساب زورمندان نمی‌رود.

محمد ناصر ۳۸ سال دارد و یکی از رانندگان موترهای باربری در مسیر شاهراه هرات - کابل است. او نیز به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که ترازوهای میرداوود به گونه‌ی غیرقانونی از وی پول می‌گیرند.

او می‌گوید که دو موتر باربری‌اش به دلیل اضافه‌وزن خیلی کم، باید تا ۵۰۰ افغانی پول پرداخت کند: «وقتی از ما در ترازوی میرداوود پول می‌گیرند، به ما رسید نمی‌دهند. دو موتر من هشت چرخ است و بابت اضافه‌وزن خیلی کم ۳۰۰ تا ۵۰۰ از من می‌گیرند. باید با کارمندان ترازوی میرداوود جور آمد کنیم تا پول کم‌تری به آنان بدهیم.» او از حکومت می‌خواهد که به باج‌گیری در دروازه ورودی هرات در مسیر شاهراه نقطه پایان بگذارد و آنان راضی هستند که پول جریمه‌شان را به حساب حکومت پرداخت کنند.

## ■ زورمندان اخاذی می‌کنند

برخی از اعضای شورای ولایتی هرات جمع‌آوری پول از رانندگان موترهای باربری در ترازوها را مخالف با حکم رییس‌جمهور محمد اشرف غنی می‌دانند.

## اتهام اخاذی در ترازوهای تناژ بلند دروازه‌های هرات؛ «تا ده‌هزار افغانی از هر موتر گرفته می‌شود»



افزایه‌بار داشته باشند و این خود زمینه را برای فساد فراهم می‌سازد. او می‌گوید که بر بنیاد لایحه وزارت فواید عامه تمامی موترها باید بابت حق‌الوزن ۱۰۰ افغانی به دروازه میرداوود تحویل کنند و این پول از طریق اداره مستوفیت هرات به عواید حکومت واریز می‌شود.

## ■ لایحه جنجالی

از چند روز به این‌سو، رانندگان موترهای باربری در واکنش به عملی شدن لایحه‌ی جدید وزارت فواید عامه دست به اعتراض زده‌اند و موترهای‌شان را در دروازه میرداوود متوقف کرده‌اند. آنان می‌گویند که عملی شدن این لایحه، میزان اخاذی در این دروازه را افزایش می‌دهد.

عبدالواسع کوهدامنی، مسئول یک شرکت ترانسپورتی با اشاره به مشکلات لایحه جدید وزارت فواید عامه می‌گوید که کشورهای ترکیه و ایران ۲۶ تن بار را به هر موتر باربری اجازه می‌دهند، اما در افغانستان تنها باید ۲۲ تن موتر بار داشته باشد و تجار مجبور هست که بار اضافی را تخلیه کند و این باعث مشکل برای رانندگان و تاجران شده است.

او از حکومت می‌خواهد که بالاتر از معیارهای کشورهای منطقه در بخش انتقال کالاهای تجارتی قانون وضع نکند و این باعث بلندرفتن قیمت کالاهای وارداتی و ضرر مردم و واردکنندگان کالا وارده می‌شود: «ما نه سرک بهتر نسبت به کشورهای ایران و ترکیه داریم و نه هم حکومت سهولت‌های زیاد به ما ارایه می‌کند و نباید لایحه جدید وزارت فواید عامه سخت‌گیر از کشورهای منطقه باشد.»

نصیراحمد محمدی، مالک یک شرکت ترانسپورتی می‌گوید که لایحه‌ی جدید وزارت فواید عامه سخت‌گیری بیش از حد سد راه فعالیت آنان ایجاد کرده است و باعث افزایش اخاذی در دروازه میرداوود می‌شود. او می‌گوید که هم اکنون یک هزار موتر باربری در میرداوود متوقف است و باید حکومت در راستای ایجاد تسهیلات به

سید عبدالله حمایت، رییس فواید عامه هرات در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که لایحه جدید مبنی بر تغییر در تناژ موترهای باربری از سه ماه به این‌سو به حکم رییس‌جمهور غنی قابل تطبیق است: «در لایحه جدید شرایط برای رانندگان وزارت سخت‌تر کرده. این لایحه جلو اضافه‌بار موترهای باربری را می‌گیرد و از تخریب شاهراه‌ها هم جلوگیری می‌کند.»

«جریمه نقدی منع است» مسئولان در وزارت فواید عامه کشور می‌گویند که براساس مقرره «کنترل وزن» آنان هیچ‌گامی پول گرفتن از بابت اضافه‌وزن موترهای باربری ندارند و گرفتن پول بابت اضافه‌وزن موترهای باربری غیرقانونی است. خلیل‌الرحمان امید، معاون سخن‌گوی وزارت فواید عامه به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که موارد اخاذی را رانندگان باید مستندسازی کنند و با آنان در میان بگذارند: «اگر مواردی از دزدی آدر ترازوهای تناژ بلند باشد، با جدیت برخورد می‌شود. ما اصلاً خیر نداریم که در پیسه گرفته می‌شود. ولی به‌خاطر جلوگیری از فساد ما در پروان، قندهار، پکتیا، بلخ و سایر ولایت‌ها چندین نفر را به نهادهای عدلی و قضایی معرفی کرده‌ایم.»

او تأکید دارد که مبارزه با فساد در وزارت فواید عامه ادامه دارد و طی روزهای آینده براساس تشکیل جدید، مأموران فعلی ترازوهای تناژ بلند به‌خاطر لایحه جدید وظایف‌شان تغییر کرده و از وظایف‌شان منفصل می‌گردند.

سید عبدالله حمایت، رییس فواید عامه هرات در واکنش به اتهام اخاذی کارمندان این ریاست بابت اضافه‌تناژ می‌گوید که رانندگان باید این اتهامات‌شان را مستندسازی کنند، تا به‌گونه‌ی قانونی به این مشکل رسیدگی شود: «ما بابت اضافه‌بار جریمه نداریم. وقتی رانندگان اضافه‌بار دارند، خودشان متخلف هستند و ادعای‌شان جالب است و قانونی نیست. نباید آنان پول به دروازه میرداوود ۱۰۰ افغانی بیشتر به‌خاطر چک کردن وزن موترها بدهند.»

او تأکید دارد که نباید موترهای باربری



سید عبدالله حمایت، رییس فواید عامه هرات در واکنش به اتهام اخاذی کارمندان این ریاست بابت اضافه‌تناژ می‌گوید که رانندگان باید این اتهامات‌شان را مستندسازی کنند تا به‌گونه‌ی قانونی به این مشکل رسیدگی شود.

رانندگان کار کند، نه ایجاد محدودیت. سید عبدالله حمایت، رییس فواید عامه هرات در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که لایحه جدید مبنی بر تغییر در تناژ موترهای باربری از سه ماه به این‌سو به حکم رییس‌جمهور غنی قابل تطبیق است: «در لایحه جدید شرایط برای رانندگان وزارت سخت‌تر کرده. این لایحه جلو اضافه‌بار موترهای باربری را می‌گیرد و از تخریب شاهراه‌ها هم جلوگیری می‌کند.»

آقای حمایت، وجود برخی از مشکلات در لایحه جدید وزارت فواید عامه در مورد تناژ موترهای باربری را می‌پذیرد، اما می‌گوید که این لایحه از سوی اشرف غنی، رییس‌جمهوری کشور توشیح شده و روند اصلاحات در آن زمان‌بر، اما عملی است. او می‌گوید که بر بنیاد لایحه جدید، موترهای با اضافه‌بار، بار نخست بارشان تخلیه و مشخصات موتر و شرکت ترانسپورتی به وزارت فواید عامه گزارش داده می‌شود: «بار نخست جواز فعالیت موتر متخلف برای سه ماه به حالت تعلیق می‌آید، بار دوم شش ماه و بار سوم برای همیشه جواز شرکت ترانسپورتی به حالت تعلیق می‌آید.»

## ■ تخریب شاهراه‌ها و دبل کاری موترها

بخش‌های زیادی شاهراه هرات - کابل به دلیل کارگذاری ماین‌های کناره‌جاده‌ای و اضافه‌تناژ موترهای باربری تخریب شده است و بیم تخریب بیشتر این مسیر وجود دارد. رانندگان موترهای باربری می‌گویند که مسیر شاهراه هرات - قندهار به تناسب قندهار - کابل تخریب کمتری شده است. رانندگان موترهای ترانزیت در افغانستان به دلیل تخریب و خرابی بیش از حد شاهراه‌ها، مجبور هستند که تجهیزات اضافی به موترهای‌شان تا شش تن نصب کنند، تا موترهای‌شان قدرت انتقال کالاها را داشته باشد.

عبدالواسع کوهدامنی، می‌گوید که موترهای تیلر با ۱۳ تن وزن تا شش تن موترهای‌شان را دبل کاری کرده‌اند، تا در مسیر شاهراه‌ها به مشکل نخورند: «ما موترها را دبل کاری می‌کنیم، تا در مسیر راه می‌ده نشوند و اگر این کار نکنیم، موترهای ما زودی خراب می‌شود.»

نصیراحمد محمدی، یکی از مالکان شرکت‌های ترانسپورتی، از وزارت فواید عامه می‌خواهد که به‌جای وضع محدودیت بر موترهای باربری باید از تردد موترهای باربری با ۸۰ تن در مسیر شاهراه جلوگیری کند، تا بیشتر از این اسفالت سرک‌ها خراب‌تر نشود. او با صراحت می‌گوید که اگر موتر باربری‌اش ۵ تن براساس لایحه جدید اضافه‌بار داشته باشد، تا دوهزار افغانی به مسئول دروازه میرداوود پول باید پرداخت کند، تا اجازه عبور را برای‌شان بدهد: «ترازوها برای مشخص کردن تناژ بلند در تمام افغانستان از ریشه لغو شده و در هیچ قانونی هم این ترازوها نیست. نمی‌فهمیم که بر چه اساس از ما پول می‌گیرند.»

رانندگان موترهای باربری می‌گویند که حدوداً ۱۲ سال پیش در کمتر از دو روز اموال تجارتی را از هرات به کابل منتقل می‌کردند، اما حالا به‌دلیل خرابی بیش‌از‌حد شاهراه، به سه تا چهار روز اموال انتقال داده می‌توانند.

اما مسئولان در وزارت فواید کشور می‌گویند که تطبیق مقرره «کنترل وزن» برای جلوگیری از تخریب شاهراه‌ها بابت اضافه‌وزن موتر است و آنان برای تطبیق این مقرره کار می‌کنند.

بر بنیاد اطلاعات مسئولان شرکت‌های ترانسپورتی هرات، هزینه انتقال هر تن بار از هرات به کابل، سه‌هزار افغانی است و هر قدر که از رانندگان موترهای باربری اخاذی شود، قیمت تمام‌شد کالاها افزایش می‌یابد و این مردم هستند که متضرر می‌شوند.

رانندگان موترهای باربری می‌گویند که در کنار اخاذی نیروهای پولیس در مسیر شاهراه هرات - کابل، گروه طالبان نیز از هر موتر حامل سیخ‌گول و یا نفت‌وگاز ۳۵ هزار افغانی بابت گمرکی دریافت می‌کنند.

## اشتباه ما در حیطةی گفت‌وگو درباره‌ی سلامت روان چیست؟



اصطلاحات روان‌پزشکی مانند افسردگی، اختلال استرس پس از سانحه و اختلال اضطراب اجتماعی به‌راحتی جا افتاده است. اما این واژه‌ها قدرت دارند. پریشانی روان‌شناختی، شدت آن هرچه باشد، سخت است و برچسب‌های تشخیصی به شما اجازه می‌دهند بگویید: من رنج می‌برم، مشکل من واقعی است و به کمک نیاز دارم. اما استفاده از چنین قالب‌هایی، که به‌درستی استفاده نمی‌شوند، از قضا می‌تواند در افراد ناراحتی به‌وجود آورد. برچسب‌های روان‌پزشکی معنا و مشروعیت می‌بخشند، اما می‌توانند سنگین و ترسناک نیز باشند و یک مشکل زودگذر را به مسأله‌ای جدی تبدیل کنند. به‌عنوان مثال اگر احساس ناخوشایند نشانه‌ی افسردگی تفسیر شود، می‌تواند باعث آن هستیید دچار شوید. ما این را با تحقیق در مورد روش‌های درمانی مبتنی بر آگاهی

مورد چگونگی بحث و گفت‌وگو درباره‌ی سلامت روان خود و همسالان‌ش صحبت کردم، و او گفت که همه افراد در رده سنی او - حدود ۱۵۰ دانشجو - احساس می‌کنند دچار افسردگی یا اختلال اضطراب یا هر دو شده‌اند. طبق آنچه از مطالعات مبتنی بر جمعیت می‌دانیم، تقریباً غیرممکن است که همه‌ی آن‌ها معیارهای این اختلالات را داشته باشند. بیشتر احتمال می‌رود در دانشگاه‌ها و همچنین در مکاتب، مکالمات آنلاین و خصوصی، افراد ساکن مناطقی که از لحاظ سلامت روان وضعیت بهتری دارند، استفاده از اصطلاحات مشترکی را شروع کرده‌اند که در واقع باید برای افراد مبتلا به اختلالات جدی‌تر و عمیق‌تر استفاده شود. این مسأله تقصیر هیچ کس نیست. ما همه می‌خواهیم زبان و برچسب‌هایی برای تفسیر تجربیات خود، به‌ویژه موارد دشوار داشته باشیم و به لطف گفت‌وگوی عمومی،

ما باید صمیمیت لازم را برای صحبت درباره‌ی سلامت و بیماری روان به‌دست بیاوریم؛ نه این‌که سلامت و بیماری را در دو قالب کاملاً جدا تعریف کنیم، بلکه آن را طیفی گسترده و دارای ظرافت‌های دقیق در نظر بگیریم. ما مقوله‌ها و پاسخ‌های ساده را دوست داریم، اما هرچه زودتر تشخیص دهیم که سلامت روان در این قالب نمی‌گنجد، بهتر است.

منظور من مقاومت در برابر وسوسه برچسب‌زدن به تمام احساسات منفی با اصطلاحات روان‌پزشکی است. هنگامی که من مدرس روان‌شناسی بودم، با یک دانشجوی مقطع کارشناسی (لیسانس) در

نشانه‌های اصلی اختلالات روانی به‌شمار می‌روند. این مرزها چنان نامشخص است که برخی از روان‌شناسان معتقدند ما نباید اصطلاحاتی مانند «بیماری» یا «اختلال» را به کار ببریم، بلکه باید از منظر درجه‌بندی به آن‌ها نگاه کنیم.

اما این حقیقت (نامشخصی مرزها) در گفت‌وگوهای عمومی درباره‌ی سلامت روان جایی ندارد. در طول دهه گذشته، تلاش زیادی برای آسیب‌زدایی از بیماری‌های روانی و صحبت صریح‌تر در مورد پریشانی انجام شده است، از جمله اقدامات دولت و کارزارهای خیریه تحت عناوینی مانند «اشکالی ندارد اگر حالمان خوب نیست.» و «همه‌ی ذهن‌ها مهم است.» این‌ها در کل خوب است. اما زمانی که می‌خواهید چشم‌اندازی پرتلاطم و وسیع را به هشتگ‌های تأثیرگذار و شعارهای تبلیغاتی دوستانه تبدیل کنید، نکات ظریف و دقیق آن در فضای مجازی نادیده گرفته می‌شود که آسیب‌هایی جانبی در پی داشته است.

گفت‌وگوی فعلی را می‌توان به‌صورت زیر خلاصه کرد: شما باید تجربیات منفی روان‌شناختی را متوجه شوید، موشکافی کنید و در پی دریافت کمک باشید. مطمئناً، برای برخی از افراد، این پیام ضروری است. برای کسانی که قصد خودکشی دارند، می‌تواند نجات‌بخش باشد. اما زمانی مشکل‌آفرین می‌شود که تمام حالات منفی، اختلال صحتی و مواردی که نیاز به درمان دارند تلقی شود. این شیوه‌ای مناسب برای زندگی نیست.

منظور این نیست افرادی که در آستانه‌ی یک «اختلال» قرار دارند باید ساکت مانده یا نادیده گرفته شوند. من شدیداً مخالف گفتاری هستم که با نادیده‌گرفتن افراد آن‌ها را متهم به «زودرنجی و بی‌طاقتی» می‌کند. باید افراد دچار مشکلات خفیف‌تر یا گذرا را به صحبت تشویق کنیم: اول این‌که هر نوع پریشانی به خودی خود وحشتناک است، دوم این‌که آنچه خفیف به‌نظر می‌رسد ممکن است آغاز یک مشکل جدی‌تر باشد. اما ما باید راهی برای گفت‌وگو در مورد این احساسات منفی پیدا کنیم، بدون این‌که به فرد القا شود دلایل احساسش وجود اختلال عملکردی است.

منبع: گاردین، لوسی فاولکس  
برگردان: شریفه عرفانی

سال‌ها پیش، در ساعت‌های پایانی یک مهمانی، با دوستی قدیمی در حویلی خانه نشسته بودیم. از داخل صدای بلند موسیقی و خنده می‌آمد، ولی ما فرسنگ‌ها با آن دنیا فاصله داشتیم. دوستم چند هفته قبل به رابطه‌اش پایان داده بود و آن شب دل‌شکستگی او هنوز تازه و ملموس بود. او به من گفت که احساس می‌کند با افراد درون خانه و با زندگی فاصله‌ی زیادی دارد و بعد چیزی گفت که قلبم غرق اندوه شد؛ نگاهش را از من دزدید و گفت: «زندگی دیگر برایم معنایی ندارد.» در آن لحظه از نظر خودم چیزی برایم روشن شد: او از نظر بالینی افسرده بود.

طی روزها و هفته‌های بعد، من به دوستم آنچه را که در مورد این اختلال و فواید درمان و داروهای ضد افسردگی می‌دانستم، گفتم و او را تشویق کردم که به پزشک مراجعه کند. حتی با نبود تمایل او، من مطمئن بودم که این به نفعش است، و پافشاری کردم. اما بعد از حدود یک ماه اتفاق عجیبی افتاد: او بدون هیچ گونه کمک حرفه‌ای احساس بهتری داشت. آن لحظه را به روشنی به یاد می‌آورم: هر آنچه فکر می‌کردم در مورد سلامت روان فهمیده‌ام، بی‌فایده بود. براساس شواهد، از آن‌جا که ناراحتی حاد دوستم در عرض چند هفته برطرف شد، واضع بود که نمی‌توان او را «بیمار روانی» قلمداد کرد. اما مطمئناً در آن هفته‌ها از نظر روحی سالم هم نبود. در عوض، فهمیدم او جایی در دشت‌های گسترده‌ی خاکستری بین سلامت و بیماری سرگردان است.

تمام مواردی که جزو «نشانه‌های اختلال روانی شناخته می‌شود، مانند نگرانی، بدخلقی، پرخوری و توهم، در واقع همیشه بین افراد جامعه هست. هر نشانه از نظر تعداد دفعات تجربه، شدت و چگونگی کنترل آن و میزان پریشانی به انواع مختلف دسته‌بندی می‌شود. در حوزه سلامت روان، هیچ مرز عینی برای عبور از مرز اختلال وجود ندارد. افزون بر این، افکار، احساسات و رفتارهایی که در صورت موقت بودن، واکنشی طبیعی به شرایط سخت و فشار روانی است، دقیقاً همان‌هایی است که در صورت تداوم،

حسین‌علی کریمی

برای جلوگیری از فجایع، «حساسیت به واژه‌ها» می‌تواند ما را از یک انسان میان‌مایه و فاقد تفکر به انسانی اندیشمند تبدیل کند. به لطف هانا آرنه و تحلیل و بررسی جسورانه او از شخصیت «آدلف آیشمن» اکنون فهم ما نسبت به بسیاری از فجایع و جنایات انسانی که در بستر فضای توتالیتار و حاکمیت ایدئولوژی به‌وقوع می‌پیوندد، دقیق‌تر و عمیق‌تر شده است. شخصیت آیشمن و تجربه‌ی زیسته‌ی او در برهه‌ای از تاریخ و صد البته ذهن نفاذانه و کاوشگر آرنه، این امکان را به ما داد تا بتوانیم درباره‌ی ابعاد یکی از وحشتناک‌ترین جنایات بشری پس از جنگ جهانی دوم به تحلیل و بررسی بنشینیم.

در وضعیت آیشمن، انسان زیر چرخ‌های توتالیتاریسم، ایدئولوژی و دیوان‌سالاری، اراده و تخیلیش از بین می‌رود. انسان تنها در فرم، انسان است. در وضعیت آیشمن، انسان هم قربانی است و هم قربانی‌کننده. آیشمن فردی عادی و عضو حزب نازی بود. کسی که مسئول اتاق‌های گاز کشتار یهودیان در اردوگاه‌های نازی بود. هانا آرنه، روایت مسلط درباره‌ی آیشمن که او را هیولایی بدذات و موجودی فطرتاً شیطانی معرفی می‌کرد با پرسش مواجه کرد.

سال ۱۹۶۱، مردم دنیا منتظر محاکمه هیولایی بودند که مسئول مرگ هزاران انسان یهودی به دست ماشین کشتار فاشیسم بود. برخلاف آنچه که مردم تصور می‌کردند، فردی که در دادگاه مقابل همگان حاضر شده بود، یک آدم معمولی و ساده بود. این مسأله برای بسیاری قابل درک نبود. آن‌ها از خود می‌پرسیدند چطور این فرد توانسته بدون هیچ‌گونه احساس ندامت و پشیمانی، هزاران انسان را به کام

## چگونه زبان و کلمات، خلق فاجعه را در نظام‌های فاشیسم و بنیادگرا ساده‌سازی می‌کند؟



دیگری را این‌جا دیدم که او هم داخل همین کانال آب را نگاه می‌کرد. کارآگاه پارک از دخترک می‌پرسد چرا آن شخص به داخل کانال نگاه می‌کرد؟ دخترک در جواب می‌گوید «آن مرد به او گفته که سال‌ها پیش او در این محل، کاری کرده و حالا برگشته تا دوباره این کانال را ببیند». کارآگاه از پاسخ دختر تکان می‌خورد و از دخترک درباره‌ی قیافه و ظاهر فرد سوال می‌کند. دختر در پاسخ می‌گوید «چهره‌اش کاملاً معمولی و

آنچه که در فرایند «تلطیف واژگانی» اتفاق می‌افتد این است که زهر عمل یا جنایت توسط دستگاه زبانی، گرفته می‌شود. به همین دلیل است که سرباز طالب و داعش به‌جای احساس پشیمانی و ندامت از جنایت و عمل ضدانسانی که مرتکب شده‌اند، احساس رضایت و خشنودی می‌کنند. چرا که در فرایند تلطیف واژگانی، جنایت‌کاران حساسیت خود را به کلمات و واژه‌ها از دست می‌دهند. دنیا پر است از آدم‌های معمولی و ساده مانند آیشمن و سرباز طالب و داعش. جنایت‌های هولناک بشری در مقیاس‌های وسیع، بیشتر وقت‌ها به دست همین آدم‌های به‌شدت معمولی و میان‌مایه رخ داده است.

## ترجمه

## امریکا، ویتنام و افغانستان؛ از نامه‌ی نیکسون تا نامه‌ی بلینکن



رژیم فعلی قطعاً نسبت به طالبان ارجحیت دارد. حکومت اسلامی طالبان در صورت احیای کامل، رژیم ظالم و آدم‌کش خواهد بود. افغانستان طالبانی احتمالاً یادآور ویتنام شمالی سرکوب‌گر مسلط برویتنام جنوبی خواهد بود. در چنین افغانستانی، وحشی‌گری و خون‌خواری ممکن است هم‌ردیف وحشی‌گری و خون‌خواری خمرهای سرخ باشد که کامبوج را به صحنه کشتار و قتل عام بدل کرده بودند.

■ **مارک تولی، مجله پروویدینس انستیتوت دین و دموکراسی**  
■ **مترجم: جلیل پژواک**

خروج امریکا از افغانستان طالبان را قدرت‌مند خواهد کرد و عواقب غم‌انگیز و اجتناب‌ناپذیر خواهد داشت. نامه‌ی آنتونی بلینکن به اشرف غنی که در آن از خروج کامل ارتش امریکا تا اول ماه می در صورت عدم همکاری بیشتر با طالبان هشدار داده شده است، یادآور نامه‌ی شوم سال ۱۹۷۲ رییس‌جمهور «ریچارد نیکسون» به «نگو دین دیم»، رییس‌جمهور ویتنام جنوبی است. در نامه‌ی نیکسون که توسط هنری کسینجر نوشته شده، به دیم گفته شده بود که ایالات متحده بدون وی توافق‌نامه‌ای را با ویتنام شمالی تطبیق می‌کند. نیکسون نوشته‌ی کسینجر را نپسندید، اما توصیه‌ی «دوایت آیزنهاور» را به یاد آورد که گفته بود: «یک مدیر واقعی می‌تواند یک نامه ضعیف را بدون تغییر آن امضا کند».

دیم نسبت به «پیمان صلح پاریس» که کسینجر با هانوی بر سر آن مذاکره کرده بودند، به‌صورت قابل‌درکی بدگمان بود. این پیمان به ویتنام شمالی اجازه می‌داد که نیروهایش را در خاک ویتنام جنوبی نگه دارد. دیم به محض دریافت نامه‌ی نیکسون گفته بود که صلح به معنی موافقت با حضور نیروهای متجاوز در خانه نیست. نیکسون در پاسخ به ناراضی‌تای دیم وعده داده بود که اگر ویتنام شمالی توافق را نقض کند، با «اقدام تلافی‌جویانه‌ی سریع و شدید» ایالات متحده روبرو خواهد شد. البته وقتی که ویتنام شمالی توافق را نقض کرد، نیکسون نتوانست واکنشی نشان دهد، زیرا کنگره ایالات متحده در سال ۱۹۷۳ ارتش را از درگیری در اقدامات رزمی منع کرده بود. ویتنام جنوبی دو سال دیگر دوام آورد. این دو سال همان «فاصله مناسب» و خواسته کسینجر برای خروج نیروهای ایالات متحده از ویتنام بود اندکی پس از آن «سایگون» سقوط کرد. امیدواری نیکسون به دوام ویتنام جنوبی واقع‌بینانه نبود.

دیم نتوانسته بود حدود صبر استراتژیک امریکا را درک کند. ایالات متحده ۲۰ سال زمان و جان حدود ۵۰ هزار سربازش را در ویتنام سرمایه‌گذاری کرده بود. علاوه بر هزینه‌های انسانی و مالی، جنگ ویتنام به‌طور ناخوشایندی امریکایی‌ها را به دو دسته تقسیم کرده بود. حمایت از ویتنام جنوبی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مسلماً ضروری بود، زیرا ایالات متحده در پی دفاع از اندونزی، مالیزیا، فیلیپین و سایر کشورها در برابر شورشیان تحت حمایت شوروی یا چین در اوج جنگ سرد بود. اما در دهه ۱۹۷۰ این کشورها از امنیت بیشتری برخوردار شدند و منطقه «هندوچین» یا «سرزمین اصلی آسیای جنوب شرقی» (اکنون شامل کامبوج، لاوس، میانمار، مالیزیا، تایلند و ویتنام می‌شود) دیگر از نظر استراتژیک اهمیت چندانی نداشت.

سقوط ویتنام جنوبی و بقیه منطقه هندوچین از نظر هزینه‌های انسانی فاجعه‌بار بود. صدها هزار نفر تحت حاکمیت فرمانروایان جدید کمونیست خود کشته شدند، میلیون‌ها نفر آواره شدند و جمعیت سه کشور تحت اسارت دولت‌های نظامی لنینیست درآمدند. امریکا سعی کرده بود که از این فاجعه انسانی و حقوق بشری جلوگیری کند. این تلاش انرژی دو ریاست‌جمهوری را ضایع کرد. اما پس از دو دهه، وقتی تهدید هسته‌ای متوجه امریکا نبود، امریکا تمایلی به هزینه بیشتر در این منطقه نداشت.

صدها هزار ساکن ویتنامی‌های جنوبی و سایر مردمان برای حفظ ملت‌هاشان و جلوگیری از فاجعه دل‌آورانه و فداکارانه جنگیدند. اما سرانجام، هندوچین غیرکمونیست فاقد اراده و ابزار سیاسی برای مقاومت در برابر دشمنان قاطع مارکسیست‌شان بودند.

همین مسأله اکنون شاید تا حدودی درباره منازعه افغانستان نیز صادق باشد. امریکا دو دهه برای این کشور وقت گذاشت، چند هزار امریکایی در این دو دهه کشته شدند و صدها میلیارد دلار مصرف شد. اما طالبان که در پی وقایع ۱۱ سپتامبر در سال ۲۰۰۱ از قدرت کنار زده شدند، همچنان قوی و خطرناک هستند. گرچه افغانستان بدون طالبان یک کشور دموکراتیک برخوردار از انتخابات و صاحب نام و نشان در میدان محافظت از آزادی بیان است، اما «خانه آزادی» این کشور را در جمع کشورهای «آزاد نیستند» رتبه‌بندی کرده و افغانستان در رده‌بندی این نهاد از ۱۰۰ نمره ۲۷ نمره را به دست آورده است. عمدتاً خشونت و وحشت‌افکنی طالبان مقصر این امر

است. دوم، ما باید این ایده را اشاعه دهیم که تعداد زیادی از تجربه‌های روان‌شناختی ناراحت‌کننده را بدون نیاز به مراجعه به فرهنگ لغت روان‌پزشکی و گاهی اوقات با کمک متخصص می‌توان مدیریت کرد. منظور انتقاد نیست، بلکه افزایش توانمندی و اطمینان خاطر است: به خود تلقین نکنید احتیاج به تشخیص روان‌پزشکی دارید، یا فکر نکنید که از نظر پزشکی مشکلی برای شما پیش آمده، مگر این‌که واقعاً این قالب‌بندی برای‌تان مفید باشد.

ما باید صمیمت لازم را برای صحبت درباره‌ی سلامت و بیماری روان به‌دست بیاوریم؛ نه این‌که سلامت و بیماری را در دو قالب کاملاً جدا تعریف کنیم، بلکه آن را طیفی گسترده و دارای ظرافت‌های دقیق در نظر بگیریم. ما مقوله‌ها و پاسخ‌های ساده را دوست داریم، اما هرچه زودتر تشخیص دهیم که سلامت روان در این قالب نمی‌گنجد، بهتر است. آن دشت‌های وسیع خاکستری را به خاطر بسپارید. افرادی که در این فضا پرسه می‌زنند همچنان به مراقبت و پشتیبانی احتیاج دارند و کمک حرفه‌ای در واقع کارساز است، اما این نحوه‌ی گفت‌وگو در مورد اختلال دردی را دوا نمی‌کند.

این درسی است که من مجبور شدم به خودم یاد بدهم. دفعه بعدی که یکی از دوستانم دلش شکسته بود، که البته این اتفاق خواهد افتاد، همچنان که شب در پی روز می‌آید، من با وجود این‌که باز هم درباره‌ی ارزش دریافت کمک حرفه‌ای صحبت خواهیم کرد، روش دیگری در پیش خواهیم گرفت. هنوز در خاطرم هست که شکست در رابطه می‌تواند برخی افراد را به سمت اختلالات روانی و حتا خودکشی سوق دهد. من همچنان به بررسی ادامه خواهیم داد و دوست خوبی خواهیم بود. اما یک احتمال دیگر را نیز به خاطر می‌سپارم: این‌که با کمی صحبت و گذر زمان، درد آن‌ها به خودی خود برطرف خواهد شد. این‌که ممکن است در قلمرو اختلالات روان‌پزشکی نباشیم، بلکه بیشتر در مرحله‌ی سختی از زندگی پرافت‌وخیز خود باشیم.

• لوسی فاولکس مدرس افتخاری در بخش روان‌شناسی دانشگاه کالج لندن و نویسنده کتاب «از دست‌دادن ذهن‌مان: بیماری روانی در واقع چه هست و چه نیست» است.

## تحلیل

واژه‌هایی چون جنگ، خشونت، انفجار و انتحار تقدس می‌یابد. در یک فرایند تغییر معناشناختی، بسیاری از واژه‌ها در چارچوب زبانی مورد علاقه‌ی گروه‌های بنیادگرا و ایدئولوژیک دیگرگونه تفسیر، بازسازی و ساده‌سازی می‌شود.

نتایج یک پژوهش توسط بندورا، استاد دانشگاه استنفورد نشان می‌دهد که انسان‌ها اغلب دست به اعمال زشت، نمی‌زنند مگر آن‌که جنبه‌های غیراخلاقی آن اعمال را برای خودشان توجیه کرده باشند. بندورا برای اثبات فرضیه‌اش، شش سازوکار شناختی- روانی برای مشروعیت‌دهی ذهنی در این خصوص معرفی می‌کند که یکی از آن‌ها «تلطیف واژگانی» است. در فرایند «تلطیف واژگانی» یک عمل غیراخلاقی با کلماتی تلطیف‌شده و متفاوت به‌کار می‌رود تا از زشتی آن کاسته شود؛ چنان‌که فاشیست‌ها کشتار یهودیان را «پاکسازی اروپا» می‌نامیدند. همان‌طور که داعش و طالب مرگ قربانیان، زنان و کودکان و فرد انتحارکننده را توجیه می‌کند. «بهشت، عملیات شهادت‌طلبانه، جهاد، شهادت در راه خدا، مبارزه با کفار و ...»

آنچه که در فرایند «تلطیف واژگانی» اتفاق می‌افتد این است که زهر عمل یا جنایت توسط دستگاه زبانی، گرفته می‌شود. به همین دلیل است که سرباز طالب و داعش به‌جای احساس پشیمانی و ندامت از جنایت و عمل ضدانسانی که مرتکب شده‌اند، احساس رضایت و خشنودی می‌کنند. چرا که در فرایند تلطیف واژگانی، جنایت‌کاران حساسیت خود را به کلمات و واژه‌ها از دست می‌دهند. دنیا پر است از آدم‌های معمولی و ساده مانند آیشمن و سرباز طالب و داعش. جنایت‌های هولناک بشری در مقیاس‌های وسیع، بیشتر وقت‌ها به دست همین آدم‌های به‌شدت معمولی و میان‌مایه رخ داده است.

ذهنی روی افرادی که مکرراً به افسردگی دچار می‌شوند، متوجه شده‌ایم: این‌که یاد بگیریم احساس ناخوشانید را «صرفاً» همان بدانیم، نه شروع یک دوره افسردگی جدید، می‌تواند به کاهش خطر ابتلای مجدد کمک کند.

به افرادی که واقعا دچار افسردگی هستند نیز کمکی نمی‌کند: اختلالی ویرانگر که ذهن و فکر را خاموش کرده و باعث می‌شود افراد نتوانند زندگی دلخواه خود را داشته باشند یا در بعضی موارد کلاً از زندگی باز بمانند. وقتی تمام حالت‌های خلقی را «افسردگی» می‌نامید، این اصطلاح معنای خود را از دست می‌دهد. در سال ۲۰۰۱، روان‌پزشک درک سامرفیلد نوشت: «تلفیق وضعیت عادی و آسیب‌شناسی، باعث می‌شود بیماری واقعی اهمیت خود را از دست بدهد.» در آن زمان به‌ندرت بحث عمومی در مورد بهداشت روان وجود داشت. اهمیت نکته‌ای که او متوجه شد اکنون بیش از هر زمان دیگری آشکار است.

در حقیقت، به‌نظر می‌رسد بسیاری از افرادی که در مورد اختلالات روانی خود صحبت می‌کنند، اکنون فقط به این دلیل از اصطلاحاتی مانند افسردگی «شدید» اختلال استرس پس از حادثه «شدید» استفاده می‌کنند که می‌خواهند حرف‌شان شنیده شود. اما افسردگی واقعی شدید است. اختلال استرس پس از حادثه شدید است. این همان طنز غم‌انگیز این کارزارهاست که مطمئناً در اصل برای شنیده‌شدن صدای افراد مبتلا به بیماری‌های روانی راه‌اندازی شده است. بنابراین به‌نظر می‌رسد گفت‌وگوی عمومی موجود برای همه‌ی افراد در طیف‌های مختلف مناسب نیست: برخی از افراد بی‌دلیل خود را دچار اختلال می‌خوانند که می‌تواند باعث بدتر شدن آن‌ها شود، در حالی افرادی که به اختلالات واقعی دچارند، صدای‌شان به گوش کسی نرسیده است.

ما باید دوباره روی قواعد و اصول کار کنیم. هیچ یک از این‌ها به این معنا نیست که ما باید گفت‌وگوی عمومی را متوقف کنیم؛ بلکه فقط باید مکث کرده و جهت را کمی تغییر دهیم. اول، باید روایت‌های بیشتری در مورد افراد مبتلا به اختلالات روانی شدید و توان‌زدا تعریف شود، در نتیجه به‌وضوح خواهیم دانست این اختلالات چه مواردی را در بر می‌گیرد و عوامل یاری‌رسان کدام

شناخته می‌شود، اما رژیم غرق در فساد کابل و اختلافات سیاسی که مانع کار دولت و ملت می‌شود، نیز به همان اندازه مقصرند.

رژیم فعلی قطعاً نسبت به طالبان ارجحیت دارد. حکومت اسلامی طالبان در صورت احیای کامل، رژیم ظالم و آدم‌کش خواهد بود. افغانستان طالبانی احتمالاً یادآور ویتنام شمالی سرکوب‌گر مسلط بر ویتنام جنوبی خواهد بود. در چنین افغانستانی، وحشی‌گری و خون‌خواری ممکن است هم‌ردیف وحشی‌گری و خون‌خواری خمرهای سرخ باشد که کامبوج را به صحنه کشتار و قتل عام بدل کرده بودند.

ایالات متحده تشکیل دولت انتقالی غیرمنتخب و دربرگیرنده طالبان را در افغانستان پیشنهاد کرده است. ظاهراً این رژیم جدید زمینه را برای انتخابات سرتاسری و تدوین قانون اساسی جدید اسلامی‌تر فراهم می‌کند. طالبان دموکراسی پارلمانی را فساد اخلاقی غربی صادر شده از جانب مسیحیت می‌دانند. تصور این‌که طالبان انگیزه‌ای برای همکاری در هرگونه روند انتخاباتی معنادار داشته باشند، دشوار است. برخلاف ویتنام شمالی، طالبان به رغم تمایل شدید، فاقد قدرتی هستند که حاکمیت خود را بر تمام افغانستان تحمیل کنند. یک افغانستان پسا ایالات متحده قبیله‌ای‌تر از گذشته و درگیر نزاع‌های داخلی خواهد بود. در چنین افغانستانی، ایالات متحده احتمالاً هرازگاهی از هواپیماهای بدون سرنشین و نیروی هوایی برای خنثا کردن تهدیدات تروریستی کلان علیه منافع ایالات متحده استفاده خواهد کرد. در چنین افغانستانی، اوضاع بسیار تیره و تاریک به نظر می‌رسد.

یا شاید در غیبت نیروهای زمینی ایالات متحده، رژیم کابل به عنوان یک نیروی ملی اعتبار پیدا کند و در خود قدرت تازه‌ای بیابد. ما فقط می‌توانیم امیدوار باشیم. افغان‌های شجاع بسیاری در راه رسیدن به ملتی بهتر جان خود را از دست داده‌اند. هر اتفاقی بیفتد، ایالات متحده برخلاف رویکرد دهه ۱۹۷۰ش در منطقه هندوچین، افغانستان را از ترس این‌که مبدا این کشور دوباره به لانه امن تروریست‌های فراملی تبدیل شود، به حال خودش رها نخواهد کرد. اما به نظر می‌رسد که تلاش امریکا برای حمایت مستقیم از یک رژیم نیمه دموکراتیک فعال در افغانستان با استفاده از زور و زرق و برق، پس از ۲۰ سال درحال پایان‌یافتن است. از نظر یک امریکایی مسیحی معمولی، امریکا بیست سال پیش هرگز نباید دست به این کار می‌زد، یا اکنون هرگز نباید این کشور را ترک کند. این‌ها نتیجه‌گیری‌های مطلق‌گرایانه از یک تجربه‌ی نه‌چندان موفق است. نتیجه‌گیری‌های مشابه در مورد تجربه ایالات متحده در ویتنام نیز مطرح می‌شد و هنوز هم مطرح می‌شود.

اما در داوری تاریخی، از چنین مطلق‌گرایی‌ها باید پرهیز کرد. سیاست‌گذاران ایالات متحده در دهه ۱۹۶۰ در خصوص جنگ ویتنام، سیاست‌های واکنش‌گرا را بر برداشت‌های خاصی که از منافع و آرمان‌های امریکایی داشتند و اغلب از افکار عمومی سرچشمه می‌گرفت، طرح و اجرا می‌کردند. خروج ایالات متحده از هندوچین در دهه ۱۹۷۰ نیز بر همین مبنا صورت گرفت. اکنون همین امر مبنای تصمیم ایالات متحده در مورد افغانستان بوده است. درسی که می‌توان آموخت به اندازه‌ای که برخی اصرار دارند، واضح نیست. ملت‌های بزرگ و کوچک عمدتاً سرنوشته خود را خودشان تعیین می‌کنند. افغانستان نیز مسیرهای خود را انتخاب خواهد کرد. و ایالات متحده نیز مسیر خود را ترسیم خواهد کرد. اما این مسیرها احتمالاً دوباره در مقطعی در آینده به هم خواهند رسید. و رهبران آینده دوباره نامه‌های «بدلجن» با عواقب ناخواسته اما اجتناب‌ناپذیر خواهند نوشت.

مارک تولی رییس انستیتوت دین و دموکراسی و سردبیر مجله سیاست خارجی و امنیت ملی این انستیتوت بنام پروویدینس است. مارک پیش از پیوستن به انستیتوت دین و دموکراسی در سال ۱۹۹۴، به مدت هشت سال برای سازمان سیا کار کرده بود. او فارغ‌التحصیل دانشگاه جورج تاون است و اهل آلینگتون در ویرجینیا. مارک نویسنده کتاب «بازپس‌گیری کلیسای متحد متدیست»، «متدیسم و سیاست در قرن بیستم» و «صلحی که تقریباً صلح بود: داستان فراموش‌شده کنفرانس صلح واشنگتن در سال ۱۸۶۱ و تلاش نهایی برای جلوگیری از جنگ داخلی» است.

روزنامه امریکایی:

دولت بایدن از حضور نیروهای امریکایی در خلیج فارس کاسته است



حالی عنوان شده که دولت جو بایدن در نخستین روزهای روی کار آمدن خود فروش تجهیزاتی به ارتش سعودی را که دارای سامانه هدایت دقیق هستند، تعلیق کرد تا

با هدف لزوم تمرکز امریکا بر روی چین و روسیه انجام گرفته، اما بخشی از گام‌های اولیه دولت جو بایدن برای کاهش هر چه بیشتر حضور نظامیان امریکا در خاورمیانه است.

از ۹۰ هزار تن نظامی امریکایی که دو سال پیش در اوج تنش میان دولت دونالد ترامپ و ایران در منطقه مستقر بودند، تا حدود چهار ماه پیش، ۵۰ هزار تن باقی مانده بودند. به نوشته وال استریت جورنال، دستور دولت بایدن به کاهش نیروها، به معنی خروج تدریجی چند هزار تن دیگر از این نظامیان از منطقه است.

مقامات امریکایی گفته‌اند که با وجود این گام‌های کاهش، یک تیم از وزارت دفاع امریکا برای آموزش ارتش عربستان برای دفاع از خود در برابر حملات راکتی و پهپادی نیروهای حوثی از یمن، برنامه‌ریزی خواهد کرد و تجهیزات لازم را برای تامین این هدف در اختیار سعودی‌ها قرار خواهد داد.

در این چارچوب، احتمال افزایش فروش تجهیزات نظامی امریکایی به سعودی و نیز تقویت اشتراک اطلاعات، آموزش‌های نظامی بیشتر و برنامه‌های تبادل نظامیان به اجرا گذاشته خواهد شد.

احتمال فروش بیشتر تسلیحاتی امریکا به سعودی در

اطلاعات روز: دولت جو بایدن به عنوان بخشی از برنامه اقدام برای «کاهش حضور ارتش امریکا و انتقال توانایی‌های نظامی خود از منطقه خلیج فارس»، چند سامانه دفاع هوایی مستقر در این منطقه را برچیده است. به نقل از رادیو فردا، روزنامه امریکایی وال استریت جورنال شامگاه پنج‌شنبه، دوازدهم حمل، با انتشار این خبر افزود که ارتش امریکا در روزهای گذشته دست‌کم سه سامانه دفاعی آتشبار ضد هوایی از نوع پاتریوت را از حوزه خلیج فارس برچیده است.

نقش این پاتریوت‌ها محافظت از نظامیان امریکایی مستقر در سعودی و امیرنشین‌های دیگر بود. مقامات امریکایی گفته‌اند که پیشنهاد حذف سامانه دفاع موشکی برد بلند، موسوم به «تاد»، نیز مطرح است اما فعلا این سامانه‌ها در منطقه باقی مانده‌اند.

مقامات امریکایی به این روزنامه گفتند که غیر از سه سامانه پاتریوت، یک ناو هواپیمابر و سیستم‌های ردگیری، از جمله سامانه‌های ردگیری پهپادها که در چرخه محافظت از سعودی نقش داشتند، به عنوان «پاسخگویی به نیازهای نظامی امریکا در سایر نقاط»، از خلیج فارس بیرون برده شده‌اند.

به نوشته وال استریت جورنال، این نقل و انتقالات ظاهرا

در مورد جزئیات معاملاتی که در دولت دونالد ترامپ به امیرنشین‌های خلیج فارس قول داده شد، بیشتر بررسی و کنکاش کند.

کاهش حضور نظامی امریکا در منطقه در شرایطی آغاز شده که حوثی‌های همراستا با جمهوری اسلامی ایران در دوره اخیر با رد پیشنهاد اخیر سعودی برای آتش‌بس در یمن، به‌ویژه حملات پهپادی بیشتری علیه منافع سعودی انجام داده‌اند.

وال استریت جورنال به نقل از یکی از مقامات امریکایی که منبع گزارش این روزنامه هستند، افزوده است: «حوثی‌ها باید بدانند که ما کماکان در کنار سعودی‌ها ایستاده و به حمایت از حق آنها در دفاع از خود، ادامه می‌دهیم.»

از واکنش امیرنشین‌های خلیج فارس به گزارش وال استریت جورنال هنوز خبری منتشر نشده، اما خبرگزاری بلومبرگ هفته گذشته نوشته بود که نظر به افزایش تناوب و دقیق‌تر شدن حملات راکتی و پهپادی حوثی‌ها، عربستان از امریکا برای مراقبت از میدانی نفتی و سایر منافع راهبردی سعودی، کمک خواسته است.

جان کربی، دبیر مطبوعاتی پنتاگون، در واکنش به گزارش وال استریت جورنال گفته است که امریکا کماکان به دفاع از سعودی برای رویارویی با تهدیدات، ادامه می‌دهد.

وزیر فرانسوی «تست بکارت» در برنامه تلویزیونی را محکوم کرد

بکارت غیرقانونی است.

هدف اصلی این بند جامعه مسلمانان فرانسه است که در آن برخی از خانواده‌ها قبل از ازدواج بر اثبات باکرگی اصرار دارند.

در متنی که مجلس به آن رای داده، آمده است پزشکانی که گواهینامه باکرگی صادر کنند با مجازات تا یک سال زندان و جریمه ۱۵ هزار یورویی مواجه می‌شوند. افراد غیر متخصص هم که آزمایشات بکارت را حتی با موافقت زن انجام دهند، ممکن است به تعرض جنسی متهم شوند.

سازمان بهداشت جهانی گفته است که تست بکارت نمی‌تواند اثبات کند که آیا زن یا دختری روابط جنسی داشته‌اند یا نه. این سازمان انجام چنین آزمایشی را نقض حقوق بشر دانسته است.

تا بداند که باید این مراسم برگزار شود.»

در بخش دیگری از این فیلم، زنی دیگر در پاسخ به این که آیا از مردان نباید سوالات مشابهی بشود، می‌گوید: «نه اینطور نیست. ما از این اصل شروع می‌کنیم که اگر یک مرد جوان قبل از ازدواج به مهمانی‌ها نرود و با دختران دیگر ملاقات نکند، پس او این فرصت را از دست می‌دهد. این تجربه‌ای است که او باید داشته باشد.»

وزیر حقوق شهروندی فرانسه در نامه خود گفته که از لحن بی‌چون و چرای برنامه عصبانی شده است. او گفته است مجلس فرانسه به قانون «منع تست بکارت و اطمینان از رضایت هر دو شریک به ازدواج رای داده است.»

براساس بندی در قانون فرانسه صدور گواهینامه‌های

میان مقدمات یک عروسی مجلل، تختخوابی را دیدند که قرار بود این مراسم در آن برگزار شود.

در این بخش از فیلم گفته شد: «روی این تختخواب، زنی با دستمال و با تست خاص، بکارت عروس، را آزمایش می‌کند. مراسم دستمال، سنتی اجدادی و اجتناب‌ناپذیر است. چنانچه در این آزمایش مشخص شود که عروس قبل از ازدواج روابط جنسی داشته، عروسی لغو می‌شود.»

در صحنه‌هایی دیگر، زنان متعلق به این جامعه، دلیل مهم بودن این آزمایش را توضیح می‌دهند.

به گفته یکی از آن‌ها «این به خاطر خانواده پسر انجام می‌شود. بنابراین آن‌ها می‌دانند که پسرشان یک زن زیبا و باکره را به همسری گرفته است.»

زنی دیگر می‌گوید: «از کودکی (عروس) تربیت شده

اطلاعات روز: دولت فرانسه از یک سریال تلویزیونی واقع‌نمایی این کشور به دلیل آن که در آن عروس‌های جوان باید بکارت خود را ثابت کنند، انتقاد کرده است.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، مارلین شیپا، وزیر حقوق شهروندی در نامه‌ای به نهاد ناظر بر بخش برنامه‌های تلویزیونی از «خشیم» خود بابت موضع غیرانتقادی این برنامه نسبت به رسم آزمایش بکارت عروس‌ها توسط خویشاوندان پیش از ازدواج نوشته است.

این برنامه تلویزیونی، سنت‌های خواستگاری و ازدواج جامعه گیتانوس (اقلیت روما) کاتالان را که در شهر پریپنینان زندگی می‌کنند، به تصویر کشیده است.

در بخشی که در ماه فیوروری پخش شد، بینندگان در

مقام‌های امریکایی هم در نشست برجام در وین «بدون دیدار مستقیم با ایران» مشارکت خواهند داشت

زیردست او در چند ماه گذشته بارها تکرار کرده‌اند؛ از جمله سعید خطیب‌زاده، سخنگوی وزارت خارجه ایران، که در پایان سال گذشته گفته بود که فقط لازم است امریکا به تعهداتش پایبند شود، به برجام برگردد و تحریم‌ها علیه ایران را رفع کند.

این پاسخی بود به ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه امریکا، که روز ۲۱ اسفند پارسال گفته بود ایالات متحده آماده است در صورت حضور در مذاکرات، طرح برداشتن گام‌هایی از سوی دو طرف برای اجرای تعهدات را بررسی کند.

واشینگتن بارها اعلام کرده است که آماده مذاکره با ایران برای اجرای برجام در چارچوب کمیسیون مشترک است، ولی تهران با حضور ایالات متحده مخالفت کرده است.

ایران از ثور سال ۹۹، یک سال پس از خروج امریکا از برجام در زمان ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، به صورت تدریجی از تعهدات هسته‌ای خود در برجام عدول کرد و روز پنج‌شنبه، ۱۲ حمل، در تازه‌ترین مورد نقض این توافق از سوی تهران، اژانس اعلام کرد که ایران چهارمین آبخار از سانتریفیوژهای پیشرفته خود را در زیرزمین تاسیسات هسته‌ای نطنز فعال کرده است.

خبرگزاری ایسنا روز جمعه نوشت: «طرف‌های برجام تصمیم گرفتند این جلسه کمیسیون مشترک را هفته آینده جهت تداوم رابطنی‌ها در وین از سر بگیرند تا اقدامات مربوط به لغو تحریم‌ها و گام‌های هسته‌ای را از طریق گروه‌های کارشناسی مربوطه مشخص کنند.»

در پیش گرفته‌اند. او با این حال اضافه کرد: «راه پیش رو آسان نیست و نیاز به تلاش مضاعف دارد.»

در همین زمینه خبرگزاری ایسنا روز جمعه به نقل از عباس عراقچی نوشت: «برای بازگشت ایالات متحده به برجام نیاز به هیچ مذاکره‌ای نیست و مسیر امریکا در این خصوص کاملا روشن است. ایالات متحده همان گونه که از توافق خارج شد و تحریم‌های غیرقانونی علیه ایران وضع کرد، به همان صورت نیز می‌تواند به توافق برگشته و قانون‌شکنی را خاتمه دهد.»

این شرطی است که حکومت در ایران از رهبر تا مقامات

اجرای برجام، در این نشست مجازی حضور داشت. روز پنج‌شنبه در بیانیه اتحادیه اروپا آمده بود که مشارکت‌کنندگان «قرار است در مورد چشم‌انداز بازگشت ایالات متحده به برجام مذاکره کنند.»

حال در پایان این نشست نماینده ایران بار دیگر شرط بازگشت بی‌قید و شرط امریکا به برجام را مطرح کرده و شاید به همین دلیل باشد که نماینده روسیه در پیام توییتی خود می‌گوید که راه پیش روی اعضای برجام برای حل مسائل راه آسانی نخواهد بود.

میخاییل اولیانوف در یک پیام توییتی نوشت که این گفت‌وگوها ادامه پیدا خواهد کرد و اعضا راه درستی را

اطلاعات روز: در پایان نشست کمیسیون مشترک برجام در سطح معاونان و مدیران کل وزیران خارجه ایران و کشورهای ۴+۱ که روز جمعه، ۱۳ حمل‌ماه، به صورت مجازی برگزار شد، نماینده روسیه در توییتی تأکید کرد که راه پیش روی اعضا «آسان نیست.»

به گزارش رادیو فردا، در این نشست همچنین تصمیم گرفته شد که طرف‌های برجام هفته آینده در پایتخت اتریش گفت‌وگوی خود را ادامه دهند.

ساعتی بعد روزنامه امریکایی وال استریت جورنال به نقل از مقامات این کشور بدون ذکر نام آنها از حضور «مقام‌های ارشد امریکایی» در وین در همین زمان خبر داد، با این حال اضافه کرد که میان نمایندگان ایران و امریکا گفت‌وگوی مستقیم انجام نخواهد شد.

عباس عراقچی روز جمعه بلافاصله این گزارش را تکذیب کرده و گفت که «قطعا» امریکا «در هیچ نشستی که ایران در آن حضور داشته باشد از جمله نشست کمیسیون مشترک برجام حضور نخواهد داشت.»

اتحادیه اروپا روز پنج‌شنبه، ۱۲ حمل، اعلام کرده بود که روسیه، چین، فرانسه، بریتانیا و آلمان همراه با ایران روز جمعه یک نشست مجازی برای مذاکره در مورد توافق هسته‌ای برگزار می‌کنند.

ریاست این جلسه بر عهده دیپلمات اسپانیایی، انریکه مورا، قائم مقام جوزپ بورل، دبیرکل و مدیر سیاسی سرویس اقدام خارجی اتحادیه اروپا، بود، و از طرف ایران هم عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه و مسئول



- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
- سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
- سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
- گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
- مترجم: جلیل پژواک
- ویراستار: شیرمهریار
- صفحه‌آرا: رضا مظفری
- ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا
- ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت  
دولت جمهوري اسلامي افغانستان  
د کورنۍ، اوبولگولو او مالدارۍ وزارت  
وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ  
معينيت مالي و اداري  
رياست تهيه و تداركات  
بخش پروژه هاي بانک جهاني



**پروژه اضطراري زراعتي و مصونيت غذايي**  
**پروجکت نمبر P174748**  
**گرنټ نمبر: TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF**  
**اسم پروژه: پروژه شبکه آبياري ماشي واقع در قريه ماشي، ولسوالي دهدادي، ولايت بلخ**

**اطلاعيه تصميم اعطاي قرارداد**

بدینوسیله به تاسی از حکم شماره ۵.۷۸ طرز العمل تدارکات بانک جهانی و شرطنامه معیاری بانک جهانی قسمت اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد به اطلاع عموم رسانیده میشود، که ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد، قرارداد پروژه شبکه آبیاری ماشي واقع در قریه ماشي، ولسوالي دهدادي، ولايت بلخ تحت شماره تشخیصیه AF/MAIL/EATS- 193059/M054-CW-RFB را به شرکت ساختمانی نوی متحد دارنده جواز نمبر D-۳۱۵۳ اطاق ۱، منزل ۴، فایز احمد حیدری پلازه، اده سابق کامه، ناحیه ۱، جلال آباد، ننگرهار، افغانستان به قیمت مجموعی مبلغ ۲۵،۶۹۰،۷۹۳.۶۰ (بیست و پنج ملیون و شش صد و نود هزار و صد و سه اعشاریه شصت افغانی) اعطاء نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هر گونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند درخواست خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی ده (۱۰) روز کاری طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري وفق احکام شماره ۵.۷۸ طرز العمل تدارکات بانک جهانی ارائه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

**Notification of Intention to Award**

Employer: Ministry of Agriculture, Irrigation and Live Stock (MAIL)  
Project: Emergency Agriculture & Food Supply (EATS) Project  
Contract title: Improvement Works of Mashi Irrigation Scheme Located at Mashi Village, Dehdadi District of Balkh Province.  
Country: Islamic Republic of Afghanistan  
Loan No. /Credit No./Grant No.: TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF  
RFB No: AF/MAIL/EATS- 193059/M054-CW-RFB

This Notification of Intention to Award (Notification) notifies you of our decision to award the above contract. The transmission of this Notification begins the Standstill Period. During the Standstill Period you may:

- Request a debriefing in relation to the evaluation of your Bid, and/or
- Submit a Procurement-related Complaint in relation to the decision to award the contract.

1. The successful Bidder

Name:	New United Construction Company
Address:	House # 1, Floor # 4, FayeZ Ahmad Haidari Plaza, Kama's Old Station District #1, Jalalabad City, Nangarhar, Afghanistan
Contract price:	25,690,793.60 Afghani

2. Other Bidders:

Name of Bidder	Bid price	Evaluated Bid price (if applicable)
Nawand Noor Construction Company (JV) with Estihkam Charbolak Construction Company	21,641,261.00	20,775,610.56
Nazem Basit construction & Road Building Company (JV) With Bradaran Seyar Construction Company	21,678,652.00	21,319,292.44
Yusuf Zia Construction and Road Building Company	25,850,801.79	26,132,194.10
Ascent Afg Group of Co construction & Engineering and Parwiz Ghafari construction	26,294,149.00	26,294,149.00
Itifaq Zadran Construction ,Road Building & production of construction Material Co	27,430,000.00	26,607,100.00
Yousra Road Building and Construction, Co	26,909,657.96	26,945,377.96
Bakhtar Pairoz construction Company	26,990,714.20	26,990,714.20
New Ahmadi construction & Road Building Company JV With Build star Construction survey & Design Company	27,104,858.00	27,104,858.20
Naemi Safi Construction & Construction Material Company	27,436,031.75	27,426,031.75
Mah-e-May Construction Co	28,906,329.50	28,906,329.50
Aman Zabi construction Co	29,642,252.30	29,642,252.30
Kawosh Engineering Services Co	29,841,623.50	29,841,623.50
National Gold Construction	32,971,451.50	32,971,451.50
Aria Ghorband Construction Road Building & Product Construction Material Company	36,499,003.50	36,499,003.50

3. Reason/s why your Bids was unsuccessful

The main reason for the non-responsive bidders are:

A) Nawand Noor Construction Company and Estihkam Charbolak Construction Company as (JV) the second party of JV (Estihkam Charbolak Construction Company) does not provided any documents for the Liquid Asset.

Hence, in reference to the ITB 5.5 (e) and ITB 5.6 clauses of bidding documents the bidder does not meet the requirement of Liquid Asset criteria.

B) Nazem Basit Construction & Road Building Company and Bradaran Seyar Construction Company as (JV) does not provided any documents for the Liquid Asset.

Hence, in reference to the ITB 5.5 (e) and ITB 5.6 clauses of bidding documents the bidder does not meet the requirement of Liquid Asset criteria.

4. How to request a debriefing?

DEADLINE: The deadline to request a debriefing expires at midnight on 14-April-2021 at 12:00 AM local time.

You may request a debriefing in relation to the results of the evaluation of your Bid. If you decide to request a debriefing your written request must be made within three (3) Business Days of receipt of this Notification of Intention to Award.

Provide the contract name, reference number, name of the Bidder, contact details; and address the request for debriefing as follows:

Attention: [Mohammadullah Sahil]  
Title/position: [Procurement Director]  
Agency: [Ministry of Agriculture, Irrigation and Live Stock]  
Email address: mohammadullah.sahil@mail.gov.af

If your request for a debriefing is received within the 3 Business Days deadline, we will provide the debriefing within five (5) Business Days of receipt of your request. If we are unable to provide the debriefing within this period, the Standstill Period shall be extended by five (5) Business Days after the date that the debriefing is provided. If this happens, we will notify you and confirm the date that the extended Standstill Period will end.

The debriefing may be in writing, by phone, video conference call or in person. We shall promptly advise you in writing how the debriefing will take place and confirm the date and time.

If the deadline to request a debriefing has expired, you may still request a debriefing. In this case, we will provide the debriefing as soon as practicable, and normally no later than fifteen (15) Business Days from the date of publication of the Contract Award Notice.

5. How to make a complaint?

Period: Procurement-related Complaint challenging the decision to award shall be submitted by midnight, [14-April-2021] (12:00 AM).

Provide the contract name, reference number, name of the Bidder, contact details; and address the Procurement-related Complaint as follows:

Attention: [Mohammadullah Sahil]  
Title/position: [Procurement Director]  
Agency: [Ministry of Agriculture, Irrigation and Live Stock]  
Email address: [mohammadullah.sahil@mail.gov.af]

At this point in the procurement process, you may submit a Procurement-related Complaint challenging the decision to award the contract. You do not need to have requested, or received, a debriefing before making this complaint. Your complaint must be submitted within the Standstill Period and received by us before the Standstill Period ends.

Further information:

For more information see the Procurement Regulations for IPF Borrowers (Procurement Regulations)[<https://policies.worldbank.org/sites/ppf3/PPFDocuments/Forms/DispPage.aspx?docid=4005>] (Annex III). You should read these provisions before preparing and submitting your complaint. In addition, the World Bank's Guidance "How to make a Procurement-related Complaint" [<http://www.worldbank.org/en/projects-operations/products-and-services/brief/procurement-new-framework#framework>] provides a useful explanation of the process, as well as a sample letter of complaint.

In summary, there are four essential requirements:

You must be an 'interested party'. In this case, that means a Bidder who submitted a Bid in this bidding process and is the recipient of a Notification of Intention to Award.

The complaint can only challenge the decision to award the contract.

You must submit the complaint within the period stated above.

You must include, in your complaint, all the information required by the Procurement Regulations (as described in Annex III).

6. Standstill Period

DEADLINE: The Standstill Period is due to end at midnight on 14-April-2021 at 12:00AM (local time).

The Standstill Period lasts ten (10) Business Days after the date of transmission of this Notification of Intention to Award.

The Standstill Period may be extended as stated in Section 4 above.



## فاطمه فرامرز

### تقسیمات قومی و بازگشت پناهندگان و آوارگان

تقسیمات قبیله‌ای سنتی افغانستان پس از توافق صلح می‌تواند یک بار دیگر تهدیدهای امنیتی قابل توجهی ایجاد کند. کارگزاران قدرت محلی در طول تاریخ از اتحاد با گروه‌های مختلف سواستفاده کرده و قدرت خود را از شبکه‌های حمایت وابسته به قبیله‌های قومی گرفته‌اند و از این ارتباطات برای تضعیف یا دور زدن نفوذ کابل استفاده می‌کنند. بلاتکلیفی اعتماد به وابستگی‌های قبیله‌ای در سال‌های اخیر، ناشی از افزایش حرفه‌ای شدن بخش‌های اصلی نیروهای مسلح که از حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی بین‌المللی بهره‌مند شده‌اند، بوده است. کنترل کامل کابل بر اهرم‌های توسعه اقتصادی، ظهور تکنوکرات‌های جوان در وزارتخانه‌های مهم و مشاغل تحت حمایت سنتی مانند والی‌ها در ولایت نیز به کاهش تأثیر کارگزاران قدرت همسو با قبایل، کمک کرده است.

با وجود این توافقی که منجر به یک توزیع شکننده تقسیم قدرت با طالبان شود، می‌تواند به معنای ظهور مجدد این خطاها و در نتیجه باعث کاهش امنیت شود. تصور قوی در میان گروه‌های خاص مبنی بر این که توافق صلح توازن ظریف قدرت سیاسی را برهم می‌زند، می‌تواند بازگشت به جناح‌بندی مسلح را تسریع کند. توافق صلح با طالبان که عمدتاً پشتون است، ممکن منجر به حاشیه رانده شدن پشتون‌های غیرطالب شود و یا نقش سیاسی بیش‌از حد پشتون‌ها را داشته باشد که تاجیک‌ها، ازبیک‌ها و هزاره‌ها را به حاشیه می‌برد. هزاره‌ها که به‌ویژه توسط داعش هدف قرار می‌گیرند و همچنین مورد خشونت‌های قومی دیگر قرار دارند، معتقدند که دولت برای محافظت از آن‌ها اقدامات کافی نکرده است. تاجیک‌ها که مدت‌ها در ارتش همکاری قابل توجهی داشته‌اند، ممکن است با گرفتن مناصب رهبری طالبان در نیروهای امنیتی-دفاعی، مشکل داشته باشند. همین‌طور بازگشت پناهندگان اگرچه می‌تواند نتیجه صلح تلقی شود اما آن‌ها می‌توانند برعکس، صلح را تهدید کنند، به‌ویژه در مناطق خاصی از افغانستان که باید امواج طولانی مدت و متنوع دیاسپورا ادغام شوند.

### تجربه جهانی

اگرچه برخی از محیط‌های پس از جنگ، به‌ویژه بالکان، هرگز شاهد محو کامل تنش‌های قومی نبوده‌اند اما رابطه این خطاهای اجتماعی با خشونت پیچیده است. در برخی موارد، رابطه روشن بین صلح پایدار و نخیکن قومی که با تقسیم قدرت و رقابت نهادی همبستگی دارند، وجود دارد. تقسیم پست‌های دولتی لبنان که وجود دارد، آن ادیان مختلف دارای نمایندگی متناسب هستند، یک نمونه معمول است. یکی از مهمترین مقله‌هایی که نخیکن برای مشارکت در آن تلاش می‌کنند، رهبری منسجم نهادهای امنیتی تازه پس از جنگ است. از همه مهم‌تر این‌که مقامات ارشد نظامی و پولیس مشخصات غیرسیاسی را حفظ کنند و بر رفتار یک‌نواخت با مردم پافشاری کنند. پژوهش‌گران حوزه‌های موفقیت در مصالحه بالکان، به اهمیت پرهیز از این دیدگاه‌های مبتنی بر طبقه‌بندی قومی اشاره می‌کنند و می‌گویند تلاش دقیق برای وارد کردن کلیه مولفه‌های هویت ملی به نهادهای اصلی با یک صلح پایدارتر نتیجه می‌دهد.

در سراسر جهان تنش‌های قومی پس از جنگ اغلب در سطح محلی و شخصی، گاهی اوقات با پیامدهای ملی در مورد بازگشت جمعیت و پرسش‌های مالکیت زمین شعله‌ور می‌شود. در رواندا که شاهد خشونت قومی هولناک بود، دادگاه‌های غیررسمی روستایی «گاکاگا» که یک روند عدالت سنتی پیش از نسل‌کشی ۱۹۹۴ بود، با استفاده از بازگشت آوارگان و ادغام آنان با جنگ‌جویان، در تطبیق عدالت



## بازنگشتن به عقب؛

# تهدیدهای امنیتی در ساختار پس از توافق صلح و رهبری سکتور امنیتی افغانستان (۲)

توافق می‌شود. در برخی از کشورهای پس از درگیری، تعداد جان‌های از دست‌رفته در جریان فعالیت‌های جنایی بیش از تعداد افراد کشته‌شده در درگیری است. افزایش در جرایم شهری نتیجه خاصی از اختلال پس از جنگ است. فعالیت‌ها و شبکه‌های جنایی اغلب پس از توافق صلح رشد می‌کنند، خصوصاً اگر پناهندگان یا جنگ‌جویان در حال بازگشت، برای امنیت و بهبود فرصت‌های اقتصادی، به شهرها بپیوندند. آذربایلی مانند سایر جرایم سازمان‌یافته یک منبع مکرر درآمد برای تخریب‌گران و تروریست‌هاست. شورشیان دهه‌هاست که از آذربایلی به‌عنوان ابزاری علیه اتباع خارجی استفاده کرده‌اند و منطقی است که با از کار انداختن شورشیان و کارمندان امنیتی خصوصی، این رویه گسترده‌تر شود. این در حال حاضر مشکلی است که مانع سرمایه‌گذاری می‌شود. در سال ۲۰۱۸ اتاق تجارت و صنایع افغانستان ادعا کرد که ۶۰ تاجر بین‌المللی در طی یک دوره دو ماهه ربوده شده‌اند.

### تجربه جهانی

تجربه جهانی نشان می‌دهد که برای مبارزه با جلوگیری از جرایم شهری، پولیس به همکاری جامعه نیاز دارد. این همکاری در جوامع درگیر جنگ به‌دلیل بی‌اعتمادی به نیروهای امنیتی یا ساکنان تازه‌وارد -مانند جنگ‌جویان سابق یا مهاجران- سخت‌تر می‌شود. سرویس پولیس تقسیم شده قومی کوزووا (صرب‌ها و آلبانیایی‌ها) برای جلوگیری از خشونت بین دو جامعه رقیب تلاش کردند. یک تاکتیک که در کوزووا با موفقیت انجام شد، ایجاد «تیم‌های اقدام امنیت جامعه» متشکل از پولیس هر دو گروه زبانی و قومی و رهبران جامعه بود. رویکردی که از انجام دادگاه‌های رسمی اجتناب می‌کرد اما پولیس را جهت اعتماد سازی و ارائه پاسخ‌گویی درگیر می‌کرد. این برنامه کانالی برای تلاش‌های بعدی شد که جلسات عمومی بین پولیس و جوامع را به دنبال داشت. این جلسات به پولیس کمک کرد تا با طیف متنوعی از شهروندان در تماس باشد و ضمن استفاده از دانش محلی برای حل مشکلات جدی جرایم و بی‌نظمی، از آن‌ها استفاده کند.

عملیاتی کردن ساختارهای پولیس رسمی و غیررسمی بیداری را به خطر می‌اندازد،

در سراسر جهان تنش‌های قومی پس از جنگ اغلب در سطح محلی و شخصی، گاهی اوقات با پیامدهای ملی در مورد بازگشت جمعیت و پرسش‌های مالکیت زمین شعله‌ور می‌شود. در رواندا که شاهد خشونت قومی هولناک بود، دادگاه‌های غیررسمی روستایی «گاکاگا» که یک روند عدالت سنتی پیش از نسل‌کشی ۱۹۹۴ بود، با استفاده از بازگشت آوارگان و ادغام آنان با جنگ‌جویان، در تطبیق عدالت ترمیمی که شامل همه طرف‌ها بود، دوباره مورد استفاده قرار گرفت.

ادعاهای زمین به اندازه کافی قابل قبول است که برخی از شهروندان به تنهایی یا در ترکیب با نظام رسمی افغانستان، داوطلبانه از آن‌ها استفاده می‌کنند.

### جرایم شهری و آذربایلی

نبرد با طالبان باعث ایجاد شهرنشینی بیشتر در سراسر افغانستان شده و نتیجه‌ی آن تأثیر منفی بر فرصت‌های اقتصادی و ساختار اجتماعی است. این تأثیرات به نوبه خود باعث فعالیت‌های جنایی به‌ویژه در کابل است. بنا به گزارش سفارت ایالات متحده، تاجران و یا هر کسی که پول داشته باشد - به‌طور معمول توریستان بین‌المللی یا افرادی که در موسسات خارجی و سازمان‌های غیردولتی کار می‌کنند - هدف قرار می‌گیرند. در همین حال، با توافق صلح ممکن است هزاران نفری که به‌عنوان کارگر و نگهبان امنیتی برای نهادهای بین‌المللی استخدام می‌شوند، بیکار شود و جهش ناگهانی بیکاری باعث ایجاد منبع جدید بی‌ثباتی شود.

سرویس پولیس ملی افغانستان در جلوگیری و تحقیق در مورد جرایم یا تهدیدهای تروریسم، به‌ویژه در مناطق روبه‌رشد شهری، بی‌تأثیر است. یک نتیجه‌ی آن روی آوردن هزاره‌های کابل به گزینه‌های امنیتی خودگردان است. جرایم گسترده مانع تجارت و اعتماد پس از

اما اگر دقیق مدیریت شود، از دید شهروندان می‌تواند نسبت به نبود کامل قدرت، ارجحیت داشته باشد. به‌عنوان مثال، سومالی درحالی‌که کشور ضعیف با نهادهای قانون‌گریز است، ناحیه سومالی لند در شمال، با استفاده از مشارکت‌های خصوصی عملاً توانسته است از بسیاری از این هرج و مرج در مناطق شهری جلوگیری کند.

توافق ملی صلح آفریقایی جنوبی در سال ۱۹۹۱ معماری ارگان‌های ملی و محلی را برای مدیریت مشکلاتی که می‌توانست آشتی ملی را -روستایی و شهری- به‌عنوان بخشی از ساختار حل اختلاف، به مهار خشونت در دوره فوری پس از آپارتاید کمک کرده‌اند. کمیته‌های محلی صلح به‌طور موثر اختلافات را میانجی‌گری کردند، مناطق خاص مقاومت عمومی را پشت سر گذاشتند و نگرانی‌های محلی را برطرف کردند. آنها از طیف گسترده‌ای از بازیگران برای ایجاد سازوکارهای معتبر حل مساله استفاده کردند. پولیس به همراه کارشناسان، فعالان اجتماعی، روحانیون، سیاستمداران، رهبران جامعه و معلمان در آن شرکت کردند. اعضای این کمیته همچنین از طریق شبکه‌های متشکل از هزاران ناظر صلح وابسته به کمیته‌ها، اجتماعات و اعتراضات متشنج عمومی را خنثا کردند.

جرایم دیگر بی‌ثباتی شهری، به‌شمول آذربایلی، تعرض و اخذی است. تلاش‌های ظرفیت‌سازی ایالات متحده برای مقابله با جرایم جدی ایجاد واحدهای پولیس با دستمزد بالاتر و آزمایش‌شده با توانایی مدیریت اطلاعات حساس و کمتر در معرض فساد را ترجیح داده است. آذربایلی برای باج‌گیری یک مشکل خاص در کشورهای ضعیف است که ممکن است ماهیت طولانی مدت داشته باشد و قربانی را مجبور به برداشت پول در دستگاه‌های خودپرداز مختلف در مدت زمان کوتاه کند. در صورت عدم وجود پولیس قوی، آذربایلی می‌تواند بیداد کند، همان‌طور که در حال حاضر در مکزیک و نیجریه تجربه می‌شود و طبقه متوسط را فلج می‌کند. آذربایلی ناشی از شبکه‌های جنایی کنترل نشده، مقامات فاسد و رشد غیر کنترل شده شهرهاست.

مقابله با آذربایلی نیاز به هماهنگی بین سرویس پولیس، سازمان‌های اطلاعاتی و شعبه‌های تحقیق و دادرسی بخش قضایی دارد. کلمبیا در تلاش بود تا سطح خود را از سه‌هزار و ۶۰۰ قربانی در ۲۰۰۲ به ۱۲۴ قربانی در ۲۰۱۸ کاهش دهد. درحالی‌که بیشتر موارد قبلی مربوط به شورشیان بود، تا سال ۲۰۱۱ اکثریت ماهیت جنایی داشتند و در شهرها اتفاق می‌افتاد. عناصر اصلی در کاهش این جرایم، همکاری جامعه در به اشتراک گذاشتن اطلاعات است. یک چارچوب قانونی روشن برای حمایت از جمع‌آوری شواهد و اقدامات علیه شبکه‌ها؛ توسعه دکترین بین‌اداری و همکاری عملیاتی، از جمله واحدهای ویژه پولیس و ارتش و تشکیل گروه‌های تخصصی پولیس برای پردازش اطلاعات و تحقیق و پیش‌گیری از اقدامات مجرمانه است. قوای مبارزه با آذربایلی پولیس ملی فیلیپین عملکرد پولیس و اطلاعات را برای از بین‌بردن گروه‌های جنایت‌کار، حتا پس از افزایش جرم و جنایت در ارتباط با کاربنوهای تازه افتتاح‌شده، مخلوط می‌کند. از دیگر نمونه‌های برجسته موفقیت‌آمیز می‌توان به هائیتی و گواتمالا اشاره کرد.

رهبری سیاسی نیز مهم است. در یک نمونه در هند، یک سیاستمدار عالی‌رتبه آماده‌ی استفاده از قوانین موجود از جمله قوانینی که در مورد داشتن اسلحه است و هدف‌گیری زیرکانه‌ی سرکردگان مرتبط به‌هم برای ارسال پیغامی مبنی بر پایان یافتن مصونیت از مجازات، به علاوه انتصاب یک رییس پولیس غیرفاسد که از پشتیبانی کامل فرماندار خود برخوردار بود، در مبارزه با آذربایلی و جرایم سازمان‌یافته در ایالت بی‌قانون «بیهار»، نقش اساسی داشت.